

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ - شماره: ۵۵

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

جشن‌های نیمه‌ی شعبان و ترویج
مهدویت انحرافی

نویسنده مقاله:

مرتضی صافی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



بار دیگر ایام ملکوتی و آسمانی ماه مبارک رجب را پشت سر گذاشتیم و به شعبان المعظم رسیدیم؛ ماهی که ماه رسول خداست و در فضیلت و کرامت آن سخن‌ها می‌توان گفت و خطبه‌ها می‌توان خواند، اما عجیب است... هر سال که وارد شعبان می‌شویم، سایه‌ی سنگین غمی بزرگ را بر قلب خویش احساس می‌کنم و احوالم به کلی دگرگون می‌شود. گویی این ماه بزرگ، سوگ کهنه‌ای را به همراه دارد یا زخم عمیقی را تازه می‌کند که هنوز التیام نیافته است... البته جای تعجبی هم نیست. سال‌های درازی است که این ماه مبارک، تداعی‌کننده‌ی مصیبتی بزرگ و ضایعه‌ای اسف‌بار برای همه‌ی مسلمانان جهان است؛ مصیبت نبودن مهدی و فاجعه‌ی غیبت «ولیّ امر مسلمانان جهان»...! چراکه گروهی از مسلمانان در نیمه‌ی این ماه پرفضیلت، برای امام مهدی جشن ولادت می‌گیرند و در مصیبت غیبت او شادمانی می‌کنند! لذا طبعاً مراسم عریض و طویل و جشن‌های مجللی که این گروه از مسلمانان در نیمه‌ی شعبان برگزار می‌کنند، داغ و درد بسیاری از مشتاقان مضطر و پیروان راستین حضرت مهدی از هر گروه و مذهبی را تازه می‌کند و بیش از پیش به عمق این فاجعه‌ی سیاه و قبح این لک‌ه‌ی ننگ متوجه می‌گرداند.

اما فارغ از همه‌ی اختلافاتی که در مورد زمان و چگونگی ولادت امام مهدی در میان مسلمانان شیعه و اهل سنت وجود دارد، باید گفت که تبعات هولناک ناشی از فقدان خلیفه‌ی

خداوند و عدم حضور او در مسند حکومت، اختصاص به یک مذهب خاص ندارد و خسارت‌ها و خلأ عظیم ناشی از آن برای همه‌ی آنان در طول این دوران تاریک احساس شده است. هر سالی که می‌گذرد ابعاد گسترده‌تری از تبعات و آثار هولناک «ظاهر نبودن مهدی» را به نظاره می‌نشینیم و هر چه جلو می‌رویم «سقوط آزاد» جهان اسلام و روند روزافزون اضمحلال مسلمانان را در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وضوح می‌بینیم و این چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت.

در عرصه‌ی سیاست و دیپلماسی، جهان اسلام به دو بلوک متخاصم و متنازع تبدیل شده است که علی‌رغم وجود زمینه‌های فراوان برای هم‌گرایی، متأسفانه روز به روز بر میزان تشنج و واگرایی آن‌ها افزوده می‌شود. در یک طرف این نزاع، کشورهایی مانند عربستان، اردن، امارات، قطر، بحرین، پاکستان و البته ترکیه قرار دارند که متهم به حمایت از برخی گروه‌های تکفیری مانند داعش نیز هستند و در طرف دیگر آن ایران، عراق، سوریه و برخی گروه‌های شبه نظامی مانند حزب الله و تا حدی هم حماس سنگر گرفته‌اند. ایران و عربستان به عنوان نمایندگان اصلی این دو جبهه، روابط تیره و تاری دارند و از چند سال پیش به این سو، بر تیرگی روابطشان افزوده شده، تا جایی که اساساً روابط دیپلماتیک میان این دو کشور به صورت یک‌طرفه از طرف عربستان قطع گردیده است. مسأله‌ی جنگ یمن و لشکرکشی عربستان و هم‌پیمانانش به این کشور، بحران سوریه و منازعات مسلحانه‌ی طرف‌های درگیر، فاجعه‌ی منا، اعدام شیخ باقر النمر از بارزترین مسائلی است که در سال‌های اخیر بر میزان تنش در روابط سیاسی و دیپلماتیک این دو جبهه تأثیر منفی گذاشت. همه‌ی این‌ها در حالی است که روابط دیپلماتیک عربستان با ایالات متحده‌ی آمریکا فوق‌العاده دوستانه و روابط راهبردی و همکاری‌های منطقه‌ای ایران با روسیه در سطح بالایی است و می‌دانیم که آمریکا و روسیه، دو کشور کافر، جنگ‌طلب و مستکبرند که گردن‌فرازی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های آنان در قبال مسلمانان در طول چند دهه‌ی گذشته، بر کسی پوشیده نیست. لذا مسلمانان در حالی که هم‌آغوش کفار هستند، یکدیگر را تحمل نمی‌کنند!

از سوی دیگر، در زمینه‌ی ثبات و امنیت داخلی با کمال تأسف باید گفت که بیشترین ناآرامی‌ها، تلفات انسانی و کشتار مردم غیر نظامی مربوط به کشورهای اسلامی است. به عنوان نمونه، بنا بر تجزیه و تحلیل آماری نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در امور سوریه، آقای دی میستورا تلفات جنگ داخلی در این کشور در سال ۲۰۱۶ تا مرز هولناک ۴۰۰ هزار نفر

برآورد شده است. همچنین جنگ نافرجام و ناعادلانه‌ی یمن تاکنون متجاوز از ۸ هزار کشته و بیش از ۱۶ هزار زخمی بر جای گذاشته است. بگذریم از اینکه جنگ آمریکا و ناتو در عراق و افغانستان که موجب افزایش ناآرامی و بی‌ثباتی در این دو کشور شد، هنوز از غیر نظامیان و مردم بی‌گناه مسلمان در این دو کشور قربانی می‌گیرد؛ خصوصاً با توجه به اینکه گذر زمان نشان داد که اقدامات بی‌اساس و بهانه‌جویانه‌ی نیروهای ائتلاف آمریکا و بریتانیا در عراق، بر اساس یک زمان‌بندی پیچیده، مقدمات لازم را برای نفوذ داعش در این کشور فراهم ساخت.

دیگر امروز کار به جایی رسیده است که رسماً کشورهایمانند سوریه، عراق و یمن به میدانی برای نمایش توان تسلیحاتی آمریکا، انگلیس، روسیه، چین و سایر کشورهای فرصت‌طلب و نیز بازاری برای چانه‌زنی بر سر قیمت تسلیحات وارداتی تبدیل شده است. چنانکه به عنوان نمونه، تحلیل‌گران معتقدند بعد از جنگ سوریه تقاضای کشورهای گوناگون برای خرید سلاح‌های روسی بیشتر شده و روسیه توانسته است از قبل این جنگ، بازار مناسبی برای تولیدات نظامی خود پیدا کند.

در عرصه‌ی اقتصادی شاهد هستیم که خط فقر، هر روزه درصد بیشتری از اقشار کم‌درآمد جوامع اسلامی را به خاطر فقدان توان اقتصادی برای گذران معیشت، به زیر می‌کشد و مظاهر آشکار مسکنت و فلاکت مانند تکدی‌گری، زانگه‌نشینی، کارتون‌خوابی، کودکان خیابانی، مشاغل کاذب، دوره‌گردی و ... به شکل فزاینده‌ای رو به گسترش است و این در حالی است که فساد اقتصادی سازمان‌یافته و مصادیق گوناگون آن مانند ارتشاء، اختلاس، رانت‌خواری و پول‌شویی در سطوح بالای خود و در میان سیاست‌مداران و صاحب‌منصبان متنفذ به وفور دیده می‌شود.

همچنین در عرصه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن قدر فجایع و مصائب مسلمانان زیاد است که امکان احصاء و تشریح آن در این مجال کوتاه نیست. از گسترش آمار فحشاء، تن‌فروشی و کاهش سنّ روسپی‌گری، بالا رفتن سنّ ازدواج و گسترش فساد در میان جوانان، خیانت‌های هولناک و از هم گسیختگی خانواده‌ها در نتیجه‌ی افزایش روابط نامشروع، افزایش اعتیاد به موادّ مخدر صنعتی و روان‌گردان، کاهش سنّ بزهکاری، خودکشی‌های مکرر جوانان، جنایات وحشیانه و قتل‌های فجیع، افزایش سطح خشونت و ... گرفته تا دین‌گریزی نسل جوان، گسترش ادیان التقاطی، ترویج عرفان‌های نوساخته، ترویج پوچ‌گرایی و اباحه‌گری و هزاران انحراف اخلاقی و فکری هولناک دیگر که انسان را به مرز ناامیدی و یأس از اوضاع فعلی

می‌رساند.

همه‌ی این‌ها اتفاقات ناگواری است که ما همواره شاهد آن هستیم، اما گاه خود را به فراموشی می‌زنیم و یا گاه از علت اصلی آن که نبودن خلیفه‌ی خداوند در جایگاه خویش است، غافل می‌شویم. در حالی که مسلمانان خیرخواه و اهل بصیرت، هرگز از این مصائب عظیم و فجایع هولناک غافل نیستند و خود را به فراموشی نمی‌زنند.

با همه‌ی این اوصاف، جای بسی شگفتی است که بسیاری از مدعیان «انتظار فرج» و دوستی با حضرت مهدی علیه السلام به پیروی از عالمان غافل و حاکمان فریبکار خود در سالروز نیمه‌ی شعبان، با غفلتی عمیق از آنچه در اطرافشان می‌گذرد و با انقطاعی عجیب از فاجعه‌ی سیاه غیبت، به پایکوبی و شادمانی می‌پردازند! خیابان‌ها را با گل‌های رنگ به رنگ آذین می‌کنند و کام مردم را با شربت و شکلات شیرین می‌نمایند و خلاصه برای امامشان مهدی علیه السلام در این روز «جشن تولد» می‌گیرند!! از یک هفته قبل تا یک هفته بعد از نیمه‌ی شعبان، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی پر می‌شود از انواع پیامک‌ها و پست‌های شاعرانه و زیبا و نیز عکس‌های گوناگون با بهترین کیفیت‌ها و هنرمندانه‌ترین طرح‌ها! و فضای حقیقی پر می‌شود از انواع پرچم‌ها و پارچه‌نوشته‌ها و بنرها و بیلборدهای بسیار بزرگ و گران‌قیمت با نوشته‌ها و تصاویری زیبا و خطاطی‌هایی نفیس در ارتباط با موضوع انتظار و حضرت مهدی... اما به راستی همه‌ی این اسراف‌کاری‌ها و ولخرجی‌ها و سرگرمی‌ها برای چیست و به هدف کسب رضایت چه کسی انجام می‌شود و چه هدفی را دنبال می‌کند؟!

چگونه است که این غافلان، خود مهدی را که زنده و سلامت است، نمی‌جویند و برای ظهورش کاری نمی‌کنند، اما سالروز ولادتش که می‌شود به یاد او می‌افتند و برای آنکه خود را از اتهام بزرگ خیانت به مهدی و کوتاهی در دوران غیبتش مبرا کنند، برایش کارت‌پستال پخش می‌کنند و بادکنک هوا می‌نمایند؟! چرا از مهدی، فقط چاه جمکران و دعای ندبه صبح‌های جمعه و دعای فرج بعد نمازهای یومیه و بالأخره جشن گرفتن در نیمه‌ی شعبان را یاد گرفته‌اند؟! آیا وظیفه‌ی آنان در قبال مهدی تنها همین‌هاست؟!

شاید این جاهلان گمان می‌کنند مهدی را به جشن‌های کودکانه‌ی‌شان حاجتی است یا بدتر از آن شاید گمان می‌کنند که قلب مقدس او با این اقدامات سخیف، سطحی و بی‌اثر خشنود می‌گردد! جشن‌هایی که تنها ثمره‌ی آن غفلت بیشتر از غیبت مهدی و انواع اسراف

و تذیر است و اقداماتی که مردم را بیش از پیش به گرداب غیبت فرو می‌برد و به سالگرد گرفتن برای تولد مهدی قانع می‌سازد؛ آن چنانکه امروز بسیاری از مردم برای شرکت در این جشن‌ها قصد قربت می‌کنند و هنگام بازگشت از مراسم نیمه‌ی شعبان، تصوّر می‌کنند از حج یا جهاد یا زیارت عتبات بازگشته‌اند و با شرکت در این جشن‌ها ثواب بسیاری برده‌اند! چراکه با جهالت تمام، فکر می‌کنند که با برگزاری این جشن‌ها و گردهمایی‌ها در این روز، برای مهدی کاری کرده‌اند و برای ظهورش گامی برداشته‌اند!! این‌ها گمان می‌کنند با این کارشان توجّه همگان را به سوی مهدی جلب کرده‌اند و مردم را به مهدی متوجّه ساخته‌اند و از میزان غفلت عمومی نسبت به او کاسته‌اند. در حالی که این پنداری غلط و توهّمی بزرگ است؛ چراکه گفته‌اند: «فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد» یعنی وقتی برگزارکنندگان و حاضران در این جشن‌ها از غافل‌ترین مردم نسبت به مهدی باشند، چگونه خواهند توانست سایر غافلان را نسبت به او آگاه نمایند؟! بلکه اتفاقاً اینان با برگزاری این جشن‌ها تصوّری انحرافی و خطرناک از مهدی را در دل‌ها و ذهن‌های مسلمانان می‌کارند و از پویایی و تحرّک مهدویت راستین اسلامی می‌کاهند و آن را با روزمرگی متعفن و منفورشان آلوده می‌کنند؛ تا جایی که بخش قابل توجّهی از قرائت خنثی و منفعلانه‌ی امروز در زمینه‌ی مهدویت، در نتیجه‌ی همین شعائر پوچ و جشن‌های بچگانه شکل گرفته است و همین جشن‌هاست که شاکله‌ی اصلی و هویت فاسد مهدویت جمکرانی را در حافظه‌ی جمعی مردم نهادینه کرده و قرائت عقل‌گرایانه و واقع‌بینانه‌ی علامه خراسانی از مهدویت را به انزوا کشانیده است.

لذا با نگاهی عمیق‌تر و تحلیلی هوشیارانه‌تر می‌بینیم که این بزم‌های شورانگیز، ابزار دست حکومت‌ها برای به فراموشی سپردن قرائت انقلابی از مهدویت و اهرمی تبلیغاتی برای به حاشیه بردن ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی است. آن چنانکه مردم مشتاق و دلداده‌ی خلیفه‌ی خداوند را به همین جشن‌ها دلخوش می‌کند و انرژی آنان برای عرض ارادت و طلب و حمایت از مهدی را این‌گونه تخلیه می‌کند. از همین روست که می‌بینیم سخنرانان رسمی و تأیید شده‌ی حکومت، در راستای اعمال سیاست‌های حاکمان خویش، در مراسم نیمه‌ی شعبان به کُرّات از برکات (!) این جشن‌ها و ضرورت بزرگداشت هر چه بیشتر آن سخن می‌گویند. همچنین، با حرارت تمام مردم را به حضور هرچه پرشورتر در آن دعوت می‌کنند و آن را مایه‌ی خشنودی حضرت مهدی و عاملی برای ظهور آن حضرت معرفی می‌نمایند و تبعاً کسانی که به این جشن‌ها اعتنایی ندارند را تخریب و تخطئه می‌کنند. این در حالی است که در تمامی موضع‌گیری‌های آنان هیچ اثری از ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی و حرکت

عمومی و خیزش انقلابی مردم برای طلب و حمایت از مهدی نیست، بل سال‌هاست که در این باره سکوتی محض و هولناک اختیار کرده‌اند؛ سکوتی که بوی خیانت می‌دهد!

اما امروز ما به برکت عالم پارسا و راست‌گفتاری مانند حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی به وظیفه‌ی خویش در قبال مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پی برده‌ایم و چند صباحی است که صف خود را از صف این غافلان و متغافلان جدا کرده‌ایم. ما امروز به برکت رهنمودهای این بزرگوار به خوبی دانسته‌ایم که مهدی تنها و تنها به خاطر آنکه استطاعت لازم و امکانات کافی را ندارد خروج نمی‌کند. از اینجا دانسته می‌شود که حاکمان و عالمان قوم، تا امروز این امکانات را از او دریغ کرده‌اند و از مستطیع شدن او جلوگیری کرده‌اند. این‌ها با وجود چهره‌های ظاهر الصلاح و ژست‌های فریبنده‌ای که می‌گیرند، اصلی‌ترین عوامل طولانی شدن غیبت هستند و این در حالی است که برای گم کردن آثار جرم و ردّ پای خیانت‌های خویش، با رویکردی عوام‌فریبانه برای مهدی جشن ولادت می‌گیرند، کیک درست می‌کنند و شمع فوت می‌کنند تا از یک سو عوام ساده‌دل را بفریبند و از سوی دیگر در پشت پرده و در سایه‌ی غفلت آنان، مانع شکل‌گیری حرکت‌های انقلابی و اصلاحی برای زمینه‌سازی ظهور مهدی شوند. من صریحاً به شما می‌گویم که امروز بیشترین دشمنی‌ها و مانع‌تراشی‌ها و مزاحمت‌ها برای نهضت مبارک «بازگشت به اسلام» به رهبری حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی از سوی نظام ایران و طرفداران و وابستگان به آن صورت می‌گیرد. در حالی که نظام ایران و اعوان و انصار آن خود را شیعه‌ی اهل بیت و دوستدار مهدی می‌خوانند و این تناقضی آشکار است که دو رویی و عداوت این‌ها با مهدی را آشکار می‌کند. لذا سیاست مکارانه‌ی این‌ها در قبال مهدی برای ما محرز شده است و عوام‌فریبی‌های این‌ها مانند حنایی است که دیگر رنگ نمی‌دهد.

در پایان این نوشتار، کلامم را با پاسخ قاطع و هوشمندانه‌ی پایگاه اطلاع‌رسانی علامه منصور هاشمی خراسانی -این عالم نستوه- در مورد جشن‌های نیمه‌ی شعبان به پایان می‌برم:

«برای شیعیان بهتر است به جای برگزار کردن این جشن‌های بی‌بنیاد و پرهزینه که فایده‌ای برای امام مهدی علیه السلام ندارد، به زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت بپردازند و به زمینه‌ساز ظهورش یاری رسانند. این تنها استهزاء به آن حضرت است که کسانی حکومتش را غصب نمایند و او را آواره‌ی کوه و بیابان سازند و سپس برایش جشن تولّد بگیرند و بادکنک بچسبانند و کاغذ رنگی بپاویزند! مانند قاتلی که ولی

نعمت خویش را به غیر حق کشته و اموالش را به تاراج برده و سپس برای او نوحه و ماتم برپا کرده است و بر سر و صورتش می‌زند، تا با این حيله مردم را از شک به خود باز دارد و خود را بی‌تقصیر جلوه دهد! بی‌گمان اگر یک صدم بلکه یک هزارم هزینه‌های گزافی که این روزها صرف چراغانی و توزیع شربت و شیرینی می‌شود به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى سپرده شود برای او کافی است تا همه‌ی مسلمانان جهان را از وظیفه‌ی خود در قبال مهدی آگاه کند و برای ساختن مقدمات ظهور آن حضرت به حرکت درآورد، ولی افسوس که جهالت امان نمی‌دهد و عقل‌ها را از کار انداخته است! به عنوان نمونه، چندی پیش مطلع شدیم که مردی در ایران بیش از یک میلیارد تومان برای چاپ و توزیع پوستر با موضوع تبریک نیمه‌ی شعبان هزینه کرده است! پس با او تماس گرفتیم و از او دعوت کردیم که یک صدم این مبلغ را به جای چاپ و توزیع پوستر تبریک، برای چاپ و توزیع کتاب «بازگشت به اسلام» یا یکی از گفتارهای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى با موضوع ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام هزینه کند تا خدمت بیشتری به آن حضرت کرده باشد، ولی او قبول نکرد! این چیست جز سفاقتی آشکار که دوستان نادان اهل بیت را فرا گرفته و گاهی از دشمنان دانای آنان مخرب‌تر و ستمکارتر ساخته است؟! چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ مَسَاءً يَوْمَ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ أُمْسَى؟ فَقَالَ: أَلَا وَاللَّهِ لَقَدْ أُمْسَى وَ مَا أَحَدٌ أَعْدَى لَهُ مِمَّنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَهُ! ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْمُتَشْيِّعِينَ لَمَنْ هُوَ شَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا! قُلْتُ: وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا؟! قَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ وَ هُمُ الَّذِينَ يَسُبُّونَ الْمَهْدِيَّ! قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَنْ يَسُبُّ مِنْهُمْ الْمَهْدِيَّ؟! قَالَ: الَّذِينَ يَسُبُّونَنِي وَ هُمْ يَعْلَمُونَ أَنِّي أَدْعُوهُمْ إِلَى الْمَهْدِيَّ فَيَسُبُّونَ بِذَلِكَ الْمَهْدِيَّ!»: «در شامگاه روزی به نزد جناب منصور آمدم، پس از او درباره‌ی مهدی پرسیدم که چگونه شام کرده است؟ فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند شام کرده است در حالی که احدی با او دشمن‌تر از کسانی نیست که خود را دوستدار او می‌شمارند! سپس فرمود: هرآینه از متشیعان کسانی هستند که از یهود و نصارا و مجوس و کسانی که مشرکند بدترند! گفتم: و کسانی که مشرکند؟! فرمود: آری به خدا سوگند و آنان کسانی هستند که مهدی را سب می‌کنند! گفتم: سبحان الله! چه کسی از آنان مهدی را سب می‌کند؟! فرمود: کسانی که من را

سب می‌کنند در حالی که می‌دانند من آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کنم، پس
با این کار مهدی را سب می‌کنند!

شگفتا که اکنون بزرگ‌ترین و شرورترین دشمنان این زمینه‌ساز ظهور مهدی و
دعوت کننده‌ی به سوی خلافت اهل بیت، کسانی هستند که خود را دوستداران مهدی
و شیعیان اهل بیت می‌شمارند و برای خلیفه‌ی خداوند در زمین مانند کودکان‌شان جشن
تولد می‌گیرند و شربت و شیرینی توزیع می‌کنند! در حالی که این قبیل جشن‌های
کودکانه اصلی در اسلام ندارد و توزیع هزاران خروار شربت و شیرینی هم نمی‌تواند
کوتاهی و خیانت حاکمان و عالمان و پیروان منحرف و متعصب آنان در حق امام
مهدی علیه السلام را بپوشاند و تطهیر کند و آنان دیر یا زود باید پاسخگوی کوتاهی
و خیانت خود در حق آن حضرت باشند؛ ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۱
(شعراء/ ۲۲۷)».

۱ . پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار علامه منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد پرسش ۱۸

